

ترجمه فی حبلِ علی حبلِ منسوب به بقراط

مقدمه از جان م. متیک^۱
ترجمه محمد باهر^۲ و حمید بهلول^۳

مقدمه

تنها بند اول رساله مورد نظر^۴ درباره چندجینی است. باقی رساله به بیماری‌های مختلف زنان در دوره آبستنی و زایمان و نیز انواع داروها، شیاف‌ها و تربندها^۵ می‌پردازد که برای مقابله با این بیماری‌ها تجویز می‌شود. این رساله عمدتاً برگرفته از دو اثر دیگر بقراط^۶ است. متن یونانی برجای مانده از این دو رساله پاکیزه‌تر از متن این رساله است و روی هم رفته با اطمینان نمی‌توان گفت که این رساله از بقراط است.

ترجمه عربی اثر ظاهراً برای کتاب‌شناسان [دوره اسلامی] جز حاجی خلیفه که فقط عنوان رساله را فهرست کرده، ناشناخته بوده است: کتاب حبل علی حبل لبقراط بدون هیچ اشاره دیگری. نه حاجی خلیفه و نه نسخه موجود، آن را به مترجمی خاص منسوب نمی‌کنند و با تکیه بر دانسته‌های کنونی و سبک و شیوه نگارش، مترجم رساله را نمی‌توان مشخص کرد. شاید زمانی این کار میسر باشد که به اندازه کافی متونی از این قبیل در دست داشته باشیم.

ترجمه عربی را نمی‌توان ترجمه روانی دانست؛ این ترجمه دشوار و مبهم و عربی آن نیز ضعیف و مغلوط است و به متن اصلی وفادار نیست. البته مترجم را برای همه نارسائی‌ها نباید سرزنش کرد چون

۱. متن مصحح رساله بقراط همراه با ترجمه انگلیسی آن در اثر زیر منتشر شده است:

Mattock, John Nicolas, "Kitāb buqrāt fī ḥabl [sic] 'alā ḥabl [sic] (Hippocrates, On Superfoetation), edited and translated with introduction, notes, and glossary", printed in *Arabic Technical and Scientific Texts*, vol. 3, Cambridge 1968.

در مقاله پیش رو، علاوه بر ترجمه متن رساله بقراط، مقدمه مصحح رساله نیز به فارسی برگردانده شده است. ضمناً تمامی پانویس‌ها افزوده مترجمان است.

۲. مدیر تولید مرکز پژوهشی میراث مکتوب m.baher1491@gmail.com

۳. مدیر داخلی نشریه میراث علمی h_bohlul@yahoo.com

4. *Περι Επινήσιος*

۵. کمپرس به معنای پارچه خیس سرد یا گرم که بر اندام آسیب دیده یا دردناک نهند.

6. *Γυναιχείων* (در باره ناباروری زنان [؟]) و *Περι Αφρών* (اوجاع النساء = دردهای زنان)



صفحه عنوان مجموعه شماره ۳۶۳۲ کتابخانه ایاصوفیه

حتی متن یونانی ویراسته لیتره^۱ که از دو رساله یادشده بقراط نیز استفاده کرده است، مشکلاتی دارد.

می توان حدس زد که متن مورد استفاده مترجم، شرایطی به مراتب بدتر داشته است. عجیب نیست که مترجم، متن یونانی پرابهام را به بیانی دیگر، آن هم غالباً اشتباه گفته باشد. فراوانی سوء برداشت ها و کج فهمی ها، افتادگی ها و حتی افزوده ها در بخش اول تاحدی شگفت آور است. به علاوه، در بخش آخر که حاوی تجویز بسیاری از داروهاست، بی دقتی های بسیار دیده می شود؛ به این صورت که برخی ترکیبات از قلم افتاده اند، تغییر کرده اند یا افزوده شده اند و داروهای مختلف با هم در آمیخته و گاه به اشتباه در درمان بیماری دیگری تجویز شده است. ظاهراً مترجم نه نسخه یونانی معتبری در اختیار داشته و نه

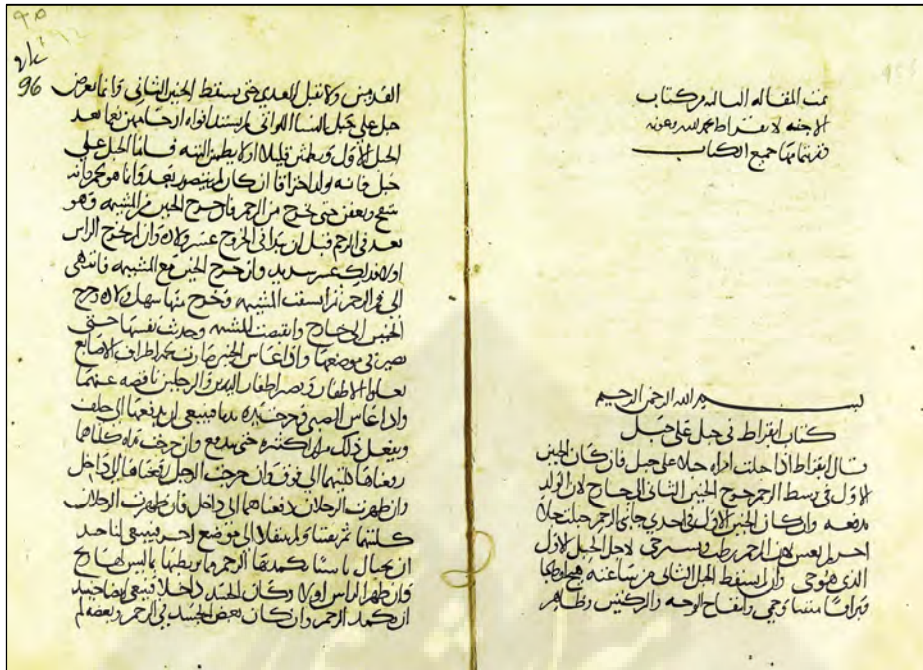
به اندازه کافی بر زبان یونانی مسلط بوده است. میزان انحراف مترجم از متن اصلی را می توان در زیرنویس ها دید. این تفاوت ها از روایت فرانسوی لیتره در قسمت هایی که متن عربی تفاوت چشمگیری دارد، نقل شده است.^۲

چون روایت عربی بسیار از متن اصلی دور است، تهیه ضمیمه ای که در آن ارتباط میان لغات یونانی و عربی متن نشان داده شود، ناممکن بود. در مواردی نادر با قطعیت می توان گفت که مترجم تا کجا از ویراست لیتره (یعنی همان متن اصلی) فاصله گرفته است.

روایت عربی شایان توجه است، چون نمونه کار مترجمی به شمار می رود که گویا پیش از مترجمانی چون حنین بن اسحاق، اسحاق بن حنین و حبیش که ترجمه را به صورت یک علم درآوردند، می زیسته است و بی گمان به چیره دستی آنان نبوده است. در ضمن بررسی میزان تحریفی

1. Littre

۲. این زیرنویس ها را در ترجمه نیآورده ایم.



صفحه آغاز رساله فی حبل علی حبل در نسخه شماره ۳۶۳۲ در کتابخانه ایاصوفیه

که حتی در انتقال یک اثر فنی نیز احتمال دارد، رخ دهد، باید به این نکته نیز توجه کنیم که ترجمه آثار پزشکی و علمی یونان به عربی علاوه بر مترجمان توانا بر چنین مترجمانی نیز متکی بوده است. این روایت نشان می دهد پزشکان مسلمان به علت فقدان منابع دیگر، این اثر را همچون دیگر آثار بقراط در نظر گرفته اند (مقایسه کنید با خلاصه رازی از این اثر در فصل نهم الحاوی فی الطب. او به طور قطع از همین ترجمه استفاده کرده است).

همچنین این اثر از نظر چگونگی تطور نثر عربی جالب و مهم است. برخی از ویژگی های آن با عربی قدیم اختلاف هایی دارد که احتمالاً به علت ورود لهجه های عربی عامیانه است. تکرارهای بی مورد، حذف فعل های ربطی، همنشینی ناخوشایند جمله ها و میل به ساختارهای نامتعارف ترجمه را بی انسجام و گسسته کرده است.

چون تنها یک نسخه خطی از این اثر شناخته شده است، تشخیص این که اشکالات متعدد دستوری متن از آن مترجم یا کاتب است، غیر ممکن به نظر می رسد. تقریباً همه آن ها در متن ویراسته حفظ شده اند. نسخه خطی منحصر به فرد این اثر به شماره ۳۶۳۲ در کتابخانه ایاصوفیه نگهداری می شود. از مسئولان کتابخانه ایاصوفیه که میکروفیلم آن را در دسترس گذاشتند، قدردانی می کنم.

به نام خداوند بخشنده مهربان کتاب ابقراط فی حبل علی حبل

[۱]

بقراط گوید: اگر زنی پس از آبستنی باز هم آبستن شود، پس اگر جنین اول در میانه رحم باشد، جنین دوم از رحم بیرون آید؛ زیرا جنین اول آن را به بیرون می‌راند. و اگر جنین اول در یکی از دو طرف رحم باشد و زن برای بار دوم آبستن شود، جنین دوم زنده نماند؛ زیرا رحم به دلیل آبستنی اول که جنین زنده است، مرطوب و آویخته باشد، و اگر جنین دوم فوراً سقط نشود، درد، خونابه بدبو، تب، ورم صورت و زانوان و پاها عارض شود، و زن غذا را نگاه نمی‌دارد تا جنین دوم سقط شود. آبستنی دوباره (چند جنینی) در زنانی دیده می‌شود که دهانه رحمشان پس از اولین آبستنی تماماً بسته نشده است، و یا زنانی که دوران قاعدگی کوتاهی دارند یا اصلاً قاعده نمی‌شوند.^۱ جنین دوم در حالی به دنیا می‌آید که ملتهب است، هرچند که هیچ‌گاه شکل نمی‌گیرد و تنها گوشت است؛ چرا که متورم و بدبو می‌شود تا اینکه از رحم خارج شود.

[۲]

اگر جنین از پوسته‌اش بیرون آید در حالی که همچنان در رحم است، پیش از بیرون آمدن، زایمان دشوار باشد، و اگر نخست سر جنین بیرون نیاید، زایمان به‌غایت دشوار باشد. اگر جنین با پوسته‌اش بیرون آید و به دهانه رحم برسد، سپس پوسته از آن جدا شود و از رحم بیرون آید زایمان آسان باشد و جنین بیرون آید، و پوسته خود را جمع کند تا به محل مناسب رسد.

[۳]

اگر جنین زنده بماند روی گوشت سر انگشتانش ناخن روید، و ناخن انگشتان دست و پا ناقص شود.

۱. ابقراط من کتاب حبل علی حبل: يقع حبل علی حبل بالمرأة التي یفسد فم رحمها نعمة بعد الحبل وتریق دمأ قليلاً فی حبلها، و إذا وقع ذلك فإنه إن كان الأول لم يتصور عفن وخرج من الرحم وتھیج بها حمی وتھیج الوجه وأمراض ردینة إلى أن تسقط أحدهما (الحاوی، ج ۳، ص ۱۸۱).

[۴]

اگر جنین زنده بماند و ابتدا یک دستش از رحم بیرون آید، باید آن را به عقب فشار دهیم و این کار را چندین بار تکرار کنیم تا به داخل برگردد. اگر دو دستش از رحم بیرون آید هر دو را به بالا فشار دهیم؛ اگر یک پا بیرون آید، باید آن را به داخل فشار دهیم و اگر هر دو پا بیرون آید باید آن دو را به داخل فشار دهیم. اگر هر دو پا بیرون آید و همانجا بماند و به سمت دیگری حرکت نکند، باید موادی به رحم مالید که آن را مرطوب کند. این مواد باید بی بو باشد. اگر نخست سر بیرون آید و بدن داخل ماند، رحم را باید روغن مالید. اگر بخشی از بدن در رحم باشد و بخشی دیگر در یک جا ثابت نماند، باز هم رحم را باید روغن مالید. اگر جنین بیرون نیاید، دهانه رحم باید با دارویی به نام اطرپیون (عصاره خیارزه)^۱ چرب شود. این دارو باید با آب رقیق شده باشد تا زایمان را تحریک کند. اگر فرج خشک باشد، باید ضماد مرطوبی روی آن مالید.

[۵]

اگر سر جنین از رحم بیرون آمده باشد، و باقی بدن بیرون نیامده و جنین مرده باشد، پس انگشتان را باید با آب مرطوب سازی و میان سر جنین و دهانه رحم قرار دهی. پس از آن، انگشتان را زیر فک جنین قرار می دهی و آن را محکم می گیری. جنین محکم با انگشتان نگاه داشته می شود و به بیرون کشیده می شود.

[۶]

اگر همه بدن در دهانه رحم و سر جنین درون رحم باشد، و جنین برعکس بیرون آمده باشد، باید نخست هر دو دست را با آب مرطوب کنی، سپس آن را میان دهانه رحم و سر جنین قرار دهی و جنین را بیرون کشی. اگر سر جنین بیرون دهانه رحم اما درون فرج باشد، پس دستها را به درون می بری و سر جنین را می گیری و بیرون می کشی.

[۷]

اگر جنین درون رحم مرده باشد، و خود به خود بیرون نیاید، و با دارو نیز بیرون نیاید، باید دستها را با روغن چرب کنی و وارد رحم گردانی و گردن جنین را از کتفها با ناخن شست قطع کنی. ناخن شست باید آنقدر بلند باشد تا بتواند گردن جنین را قطع کند. چون چنین کردی، دستها را بیرون آر و دوباره آنها را وارد کن و شکم جنین را بشکاف و رودهها را آهسته آهسته خارج کن. بار دیگر نیز دستها را وارد کن و استخوان دنده را بشکن تا جنین کوچک و فشرده شود و به راحتی بیرون آید.

۱. گیاه علفی معروف به خرخیار که به آن خیار دشتی هم می گویند.

[۸]

اگر پوسته به سرعت بیرون نیاید و بیرون آمدنش دشوار باشد، باید آنچه را که به بچه مربوط می شود رها کنی و زن در حال زایمان را روی صندلی بلندی بنشانی تا اینکه پوسته با سنگینی جنین پایین کشیده شود. باید آن را آرام و آهسته و نه به یکباره بیرون آری تا اینکه آماس خونی که توده ای سرخ رنگ در صفر است پدید نیاید. باید مقدار معتدبهی پشم تازه محکم پیچیده شده، زیر بچه بگذاری. سپس دو مشک بگیر و آن ها را از آب پر کن و آن ها را روی هم و نوزاد را که روی پشم است روی مشک ها بگذار. بعد مشک ها را با سوزن جوال دوز سوراخ کن تا آب داخل آن ها کم کم خالی شود. وقتی آب به آهستگی از آن ها خارج شود و آن ها پایین روند، جنین بند ناف را به پایین می کشد و آن نیز پوسته را پایین می کشد. اگر زن نتواند روی صندلی نشیند، باید برای او یک صندلی با پشتی و دسته که بتواند به آن تکیه دهد، فراهم شود، و باید که زیر صندلی سوراخ باشد. اگر او اصلاً نتواند بنشیند، باید بستری برایش آماده شود. قسمت پایین بدنش باید به سمت پایین متمایل شود و قسمت سر باید بالا قرار گیرد. او باید با دستار یا کمر بندی پهن از روی لباس ها از زیر بغلش محکم به بستر بسته شود تا بدنش به پایین نلغزد؛ چرا که بالای بستر بلندتر از پایین آن است، و باید زمانی که پوسته از بند ناف جنین زودتر از موعد جدا شده همین گونه رفتار شود؛ نیز زمانی که کسی آن را جدا کرده یا بخشی از آن را بریده و چیزی بدن بسته شده، باید چنین کند، و برخی از راههایی که پیشتر گفتیم برای بیرون آمدن پوسته به کار برد. این بهترین و کم زیان ترین درمان در این مورد است.

[۹]

اگر جنین در رحم زن مرده باشد و هیچ رطوبتی در رحم نباشد بلکه خشک باشد، رحم ابتدا متورم می شود، سپس جنین می گنجد و گوشتش فاسد می شود و به سمت فرج سرازیر می شود و استخوان ها در آخر بیرون می آید، و زن - چنانچه نمیرد - گاهی دچار خونریزی می شود.

[۱۰]

اگر جنین بمیرد، باید که از این نشانه ها که بر می شمارم بدان پی بریم: زن را بفرمای تا به پهلو چپ یا راست بخوابد: اگر جنین مرده باشد و زن به پهلو بخوابد، جنین به پایین سرازیر شود، و چون جنین مرده باشد، همچون سنگ فروافتد و پوست شکم و پیرامون ناف سرد شود، و اگر جنین زنده باشد، پوست شکم گرم باشد.^۱ چون زن بهبود یابد، همه بدنش به پایین کشیده شود و دهانه رحم پایین نیاید، مگر آنکه رحم نیز چنین شود.

۱. علامات موت الجنین فی البطن: أن تأمرها أن تنام علی أحد جنبیها فیسقط الجنین إلى أسفل كالحجر ویكون المراق حول السرة بارداً، فإنه مادام الجنین حیاً كان حاراً (الحاوی، ج ۳، ص ۱۸۱).

[۱۱]

اگر زن را درد زایمان گیرد و پیش از بیرون آمدن جنین خونریزی شدید کند، خطرناک است، و بیم آن می‌رود که جنین مرده بیرون آید، یا پس از زایمان بمیرد.

[۱۲]

دهانه رحم همه زنان پیش از زایمان صاف شود.

[۱۳]

اگر زن آبستن باشد و همسرش بسیار با او نزدیکی کند، زایمانش آسان شود.

[۱۴]

چون زایمان برای زنی سخت باشد و جنین با فشار و ترفندهای پزشک زنده بیرون آید، نباید بند ناف او تا زمانی که ادرار، عطسه و یا گریه نکرده، بریده شود. چون زایمان نزدیک شود، باید که زن به آبریزگاه (مستراح) رود و قضای حاجت کند، و اگر تشنه است آب و عسل همراه با شراب نوشد. چون ناف متورم و همچون معده شود، یا اینکه نوزاد گریه یا عطسه کند، پس در آن حال باید که بند ناف بریده شود. اگر نوزاد نفس بکشد، ولی بند ناف متورم نشود و نوزاد عطسه نکند، یا برای مدتی طولانی حرکت نکند، زنده نخواهد ماند.

[۱۵]

اگر ندانی که زن آبستن است و خواهی که بدانی، از این نشانه‌ها بدان آگاه شوی: چشمانش گود و فرورفته باشد و سفیدی چشمانش از حالت طبیعی به تیرگی گراید.

[۱۶]

اگر زنی آبستن باشد و چشمانش گود رفته و صورتش ورم کرده، و بدن و پاهایش بیمار، و خود همچون کسانی باشد که بلغم سفید در آن‌ها غلبه دارد، و گوش‌ها و نوک بینی اش سفید و لب‌هایش سبز باشد، نوزاد او یا مرده به دنیا خواهد آمد، یا بیمار رو به موتی است که خواهد مُرد. نوزاد بسیار کم‌خون خواهد بود و زن نیز خونی رقیق خواهد داشت، و باید زنانی را که این‌گونه‌اند با شیاف‌های خوشبو درمان کرد و داروهای خوشبو به آنان نوشاند و خوراکی‌های مناسب به ایشان خوراند. چون از ایشان مراقبت شود و این‌گونه درمان پذیرند، نخست بینی ایشان سرخ شود و سپس رنگ رویشان نیکو گردد.

[۱۷]

اگر زن آبستنی به خوردن خاک و زغال مایل باشد و از آن بخورد، آن خاک و زغال به سر جنین چسبد و جنین لکه‌ها و خال‌های رنگی به خود گیرد.

[۱۸]

این‌ها نشانه‌هایی هستند که ذکر می‌کنم: باید بنگری که کدام یک از پستان‌های زن بزرگ‌تر است؛ زیرا جنین همان طرف خواهد بود.

[۱۹]

بقراط گوید: اگر زنی با شیاف نرم درمان شود و او را درد مفاصل و درد دندان عارض شود و دچار سرگیجه و سسکه‌گردد، او را امید به آبستنی بیشتر است از زنی که هیچ یک از این نشانه‌ها را ندارد.

[۲۰]

زنی که بیش از حد فربه و پر از بلغم است، نزاید و آبستن نشود، اما اگر فربهی طبیعی باشد آبستن شود، مگر آنکه در این میان عارضه دیگری در کار باشد.

[۲۱]

زنان چون هنگام قاعدگی ایشان فرارسد، دهانه رحمشان بیش از پیش به سمت داخل جمع شود.

[۲۲]

اگر زنی پیشتر زاییده باشد و سپس نازا شود، باید دو بار در سال از دست و پایش خون گرفت.

[۲۳]

اگر زن در کفل، سر، دستان یا برخی از اعضای بدنش درد داشته باشد و آن‌گاه آبستن شود، درد از میان رود، و چون جنین از رحم خارج شود، برخی از پزشکان گویند به زن چیزهای خوشبو بخوراند و یا دهانه رحم را بدانها درمان کنند.

[۲۴]

اگر زنی برای آبستنی درمان شود، آن‌گاه که رحمش پاک و دهانه آن صاف است، پس باید که سرش را بشوید و با چیزی غیر از روغن آن را چرب کند، سپس چارقدی روی سرش بندد و روی آن دستاری پیچد، و آرام گیرد، و باید که شیافی به کار برد که در آتش نرم شده باشد اما نه خیلی نرم. روز بعد، باید سرش را باز کند و چارقد یا دستاری را که رویش بوده را به کسی دهد تا آن را ببوید. اگر بویی نامطبوع داشت، او پاک شده است. اما اگر بویی نامطبوع نداشت، هنوز پاک نشده است. این کار را باید پیش از غذا و زمانی که ناشتاست انجام دهی. اگر این شیاف را برای زن نازا به کار بردی، بوی آن به سرش نخواهد رسید، اما اگر زنی سالم را که بارها بچه آورده است با شیاف درمان می‌کنی، پیش از آنکه پاک شود هم بالای سرش، و نه جز آن، بوی بد خواهد داشت.



[۲۵]

اگر زن پاک شود و بهبود یابد و خواهد که با همسرش درآمیزد، باید که معده‌اش خالی باشد؛ مرد باید شراب خالص نوشد و خود را با آب سرد شوید و غذاهای مناسب خورد. زن اگر احساس کند که آبستن است، نباید در روزهای نخست آبستنی با شویش درآمیزد، و این موضوع تنها از طریق مرد دانسته شود؛ چرا که زن در ابتدا آبستن بودنش را درنیابد، مگر آنکه مرد به او گوید، و مرد از انزال منی آن را دریابد، و چون پیشتر رحم نطفه را به بیرون ریزد و از فرج خارج شده باشد، باید که دوباره با مرد همبستر شود.

[۲۶]

اگر زن چندین بار آبستن شده باشد، و پس از مدتی مشخص، مثلاً دو ماه، جنین را سقط کند و سقط پیش یا پس از این مدت رخ ندهد، و این وضعیت دو، سه یا چند بار در مدت مشخص مثلاً دو، سه، یا چهار ماه روی دهد، باید دانست که رحم این زن بزرگ و متسع نشده است؛ زیرا جنین رشد می‌کند و بزرگ می‌شود، و دو یا سه ماه را پشت سر می‌گذارد، و یا به زمان سقط می‌رسد، و در این مدت که جنین بزرگ می‌شود، رحم به همان اندازه پیشین باقی می‌ماند و از این رو جنین را در همان زمان سقط می‌کند. باید که این زن را با شیاف‌های آماده و داروهای مناسب درمان کرد تا بتواند نوزادش را نگاه دارد، و درمان او این‌گونه است که اندرون خیارزه اسپند را برمی‌گیری و آن را نیک له و سپس الک می‌کنی و آن را با عسل بدون موم می‌آمیزی. بهتر است خیار اندک و عسل بسیار باشد. آن‌گاه کمی ریشه آنقوزه^۱ بدان می‌افزایی و همه آن‌ها را با هم مخلوط می‌کنی. این دارو باید به اندازه کافی مرطوب باشد تا رحم آن را بپذیرد؛ سپس آن را داخل رحم می‌کنی تا آنکه درون آن قرار گیرد. چون دارو حل شد، میل را بیرون می‌کشی و درمان را بار دیگر با اندرون حنظل به همان روش گفته شده، تکرار می‌کنی. در این زمان او باید سیر یا آنقوزه بسیار بخورد و پس از آن چیزی نخورد که سبب ورم شکمش شود. سپس باید هر سه روز یک بار شیافی به کار برد تا زمانی که دریابد دوباره بهبود یافته است. باید دوره درمانی درازی سپری کند، و تا زمانی که می‌دانید او می‌تواند تحمل کند، ادامه یابد. در این فاصله باید از ماده نرم‌کننده بهره برد. آن‌گاه که دهانه رحم با این ماده نرم‌کننده ترمیم یافت و قاعده شد، آن زمان پاک می‌شود و می‌تواند با همسرش همبستر شود.

[۲۷]

اگر دهانه رحم پس از زایمان یا سقط جنین یا به هر دلیل دیگری چرک کند، و چرک در جایی باشد که به زخم‌هایش نمی‌رسد، او را سودمند خواهد بود اگر میل یا سوندی به نام قافاطیر را درون

۱. صمغ یا شیره آنجدان، به رنگ قهوه‌ای و طعم تلخ که خاصیت دارویی دارد (دهخدا، ذیل واژه).

رحمش کنی؛ باید که این میل را به دهانه رحمش وارد کنی و اگر ماده چرکی از رحمش با آن بیرون آمد نیازی به داغ کردن آن نیست. پس از آن باید موجودات موسوم به قنبس که روی شیدر یافت می شوند را جمع کنی. [باید آنهایی را که خوابیده اند بگیرد چون آن‌ها نیش دارند].^۱ باید که دم‌هایشان بریده شود تا غذایی که خورده اند بیرون آید، و سپس زیر نور آفتاب خشک شوند. باید کرم‌های زنده در پشکل سرگین غلتان‌ها را جمع کنی و آن‌ها را نیز زیر نور آفتاب خشک کنی. از قنبس به اندازه دو ابولو و دو برابر وزن آن سرگین غلتان بگیر. کمی رازیانه رومی (انیسون) یا چیزی همانند آن را با آن‌ها درآمیز؛ دارویی بدبو ساخته شود که باید آن را نیک خرد و له سازی و در شراب سفید خوشبویی حل کنی و به زن بنوشانی. چون زن این دارو را بنوشد در دل سنگینی و بی‌حسی احساس کند. پس اگر چنین شد کمی به او مالِ قِراطُن (مالِ قِراطون)، یعنی آب و انگبین، بنوشان.

[۲۸]

اگر لازم باشد زنی فرزند آورد یا آبستن شود ولی هیچ‌گاه چنین نشده است، بدان که دهانه رحمش سخت، خشک یا محکم بسته شده است و رحم او صاف نیست، بلکه به سمت کفل یا مقعدش منحرف شده، یا به سمت بالا رفته است؛ یا اینکه دهانه رحمش نرم یا ناهموار یا بسیار سخت است یا محکم بسته شده است؛ در غیر این صورت قاعدگی به علت گرما و خشکی بدن به نیکی اتفاق می افتد. اگر دهانه رحم در شرایط مناسبی نباشد رحم منی را نپذیرد، و آن هنگامی است که رحم بسیار مرطوب باشد. پس اگر رحم نرم باشد و خواهی که آن را درمان کنی باید که آن را با حوله گرم و خشکی گرم کنی و بدن را با داروی مسهل پاک سازی؛ البته نخست باید که بدن را پاک سازی و پس از آن با حوله گرم آن را نرم کنی. پس چنین کن و اگر خواهی می‌توانی دارو را به بیمار بنوشانی، و یا از پایین آن را به صورت شیاف به کار بندی. پس رحم را گرم کن، سپس بدن را از پایین پاک ساز. اگر دیدی که بدن پاک شده است آن‌گاه رحم را با آب قابض گرم کن، و زن را در آن بنشان تا رحم را منقبض کند. باید که گرم کردن با آب چوب سرو جوشیده یا آب برگ‌های جوشیده گیاه غار (برگ بو) انجام شود. نیز باید که زن را با این آبها شستشو داد. چون گرم کردن و شستشو به پایان رسد، دهانه رحم را با میلی از جنس قلع یا سرب سفید باز کن پیش از اینکه رحم از حالت انقباض خارج شود. سر میل باید نازک باشد و رفته رفته کلفت شود تا به اندازه مناسب رسد. میل را باید مدتی دراز در داروی مسهل خیساند، سپس آن را وارد رحم کرد. میل باید شکل ...^۲ گیرد و دسته بلند چوبی داشته باشد. در طول این مدت زن باید شراب سفید رقیقی بنوشد که در

۱. عبارت داخل قلاب از روی ترجمه انگلیسی به فارسی برگردانده شده است. در درستی این عبارت تردید وجود دارد و ترجمه صحیح این عبارت منوط به خوانش صحیح واژه‌ای است که در متن عربی «التنوم» ضبط شده و به نظر می‌رسد نادرست باشد.
 ۲. افتادگی در نسخه احتمالاً به خاطر پرهیز از ذکر آلت نرینگی.

آن تکه‌های چوب پیه‌دار یعنی صمغ‌دار، ریشه کرفس، زیره کرمان یا کندر جوشیده باشد. او باید از این شراب چند روز پی‌پی با معده خالی به اندازه‌ای بنوشد که می‌داند برایش سودمند است. باید توله سگ آبی و هزارپای دریایی پخته شده در شراب شیرین هم بخورد و آب این خورش را نیز بنوشد. نیز باید کلم کاملاً پخته بخورد و شراب سفید رقیق بنوشد و هر روز با آب خیلی گرم استحمام کند و در خوردن زیاده‌روی نکند. اگر شکمش نرم و روان بود که هیچ اما اگر چنین نبود باید آن را روان گردانی. پس آن نوشیدنی را که پیشتر توصیف کردیم به او بنوشان و پس از آن رحمش را با شیاف‌های پاک‌کننده شستشو ده. اگر رحم پاکیزه شد و در حالت اعتدال و سلامت بود، اما زن قاعده نشد یا پس از مدتی طولانی کمی خون حیض دید، باید که علت آن را دریابی و چون دریافتی به نیکی آن را درمان کنی. اگر می‌توانی ابتدا از داروهای سنگین و پرنیرو استفاده کن، در غیر این صورت در پایان درمان آن‌ها را به کار بند، و اگر با داروهای سنگین آغاز کردی پس از آن‌ها داروهای سبک را به کار بر، و اگر با داروهای سبک آغاز کردی پس از آن‌ها از داروهای سنگین بهره گیر. آنگاه که دانستی بدن پاک شده و قاعدگی به حالت طبیعی بازگشته است، دهانه رحم را به داروهای نرم‌کننده آغشته کن تا نرم شود. سپس با دودی رقیق آن را ضد عفونی کن. چون نرم شد، چیزی که رطوبت رحم را برطرف کند و آن را خشک کند، به کار بر. اگر چه بهتر است با داروهای نرم‌کننده آغاز کنی و با داروهای سنگین ادامه دهی و پس از آن دوباره داروهای سبک را به کار گیری؛ زیرا داروهای سنگین رحم را زخمی می‌کند و سبب سوزش آن می‌شود. چون چنین کردی پس رحم را آماده ساز، یعنی دهانه و حالت آن را برای دریافت منی آماده کن، بدین صورت که آن را خشک و در نتیجه زبر می‌کنی، و چون خشک و زبر شد، منی را نیک پذیرد. پس اگر زنی به علت چربی بیش از حدی که رحمش را فراگرفته باردار نشود، باید که با داروهای لاغرکننده درمان شود تا چربی از میان رود.

[۲۹]

درمان در بهار اتفاق می‌افتد، و باید که مرد دوباره با زن درآمیزد و مرد نباید که در این هنگام مست باشد؛ مرد نباید شراب سفید نوشد، ولی می‌تواند شراب قرمز خالص قوی بنوشد. او باید غذاهای چرب قوی بخورد و از شستشو با آب گرم بپرهیزد و از آب سرد استفاده کند. او باید که سلامت باشد و نه بیمار و باید که از غذاهای چسبنده و تند پرهیز کند و نیز از خوردن غذاهای کاملاً پخته و مخلوط شده خودداری ورزد.

[۳۰]

اگر کسی خواهد که فرزند پسر داشته باشد، باید که پس از دوره قاعدگی زن به سراغش رود و بیضه چپش را ببندد. اگر می‌خواهد که دختر داشته باشد، باید بیضه راستش را ببندد.

[۳۱]

رحم با بخور نرم‌کننده سست و با بخور خشک‌کننده خشک شود. اگر خواهی که بخور خشک‌کننده سازی باید که با برگ درختی که فراموشی (نیلوفر آبی) نامیده می‌شود، یا با برگ بو، یا با دانه دهمست، یا برگ یا صمغ آن، یا با کندر یا با برگ گیاهی دارویی به نام بومادران، یا با رازیانه رومی (انیسون) یا پیه و موم و گوگرد زرد یا با برگ درخت صنوبر، یا با ریشه گیاهی دارویی به نام بوقادون یا با برگ گیاه مورد یا با بیضه سگ‌آبی^۱ یا با سیر یا با صمغ درخت لبنی (میعه)^۲ یا با پیه خوک این کار را انجام دهی. این‌ها برخی از داروهایی هستند که رحم را منقبض کنند. اگر بخوری خواهی که رحم را سست کند، باید از زرنیخ، پیه بز، شیر انجیر، آتقوزه، بخور مریم یا دارویی به نام ثافسیا بهره‌گیری.

[۳۲]

...^۳ یا از مغز گاو یا پیه غاز یا روغن گل بهره‌گیری. زن باید که آب تره یا شراب قرمز شیرین و نیز زیره یا صمغ صنوبر (راتینج) یا صمغ صنوبر همراه با شوره و عسل و پنج دانه کندر در هر روز دوبار بنوشد، و باید که او را با شیافهای مسهل نیز پاکسازی کرد، بدین صورت که جزوی مُر^۴، جزوی زهره گاو، جزوی صمغ صنوبر را در پارچه پشمی تمیز و یا پارچه کتان آغشته به عطر مصریان که باید خوشبو باشد، ریزد و آن‌گاه خود را با آن بشوید و آن را به کار برد. پس از آن بزر کرفس و شراب سفید را به صورت ناشتا بنوشد، و از مَر و کندر هر یک جزوی بگیرد، یا از مَر و کندر و دارچین جزوی بگیرد و از آن شیافی سازد. آن‌گاه زیره کرمانی بنوشد، و جزوی نیز رازیانه، و جزوی ریشه درخت صنوبر بگیرد و آن دو را بکوبد و با عسل بدون موم مخلوط کند، و آن را به شکل دانه‌های بلوط حبّ کند و به کار برد. سپس ریشه دارویی به نام غلوقوسیدس و بزر کرفس و شراب سفید بنوشد. اگر خواهی رحم را کاملاً پاک سازی ریم مس^۵ و بوره سرخ را به یک اندازه بگیر و با عسل مخلوط کن و آن را به شکل دانه‌های بلوط حبّ کن و آن را به کار بر، و اگر خواهی که شیاف قوی و پاک‌کننده‌ای بسازی جزوی عصاره خیار زه‌اسپند و جزوی ریم مس بگیر و آن دو را با عسل بیامیز و از آن شیاف کوچکی درست کن و زن را بفرمای تا آن را به کار برد. این شیاف، رحم را کاملاً پاک می‌کند. اگر دهانه رحم بسیار سفت باشد و بخواهی آن را نرم کنی جزوی عصاره خیار زه‌اسپند و دو جزو ریم مس بگیر و آنها را



۱. جُند بیدَسْتَر.

۲. بنگرید به: الصیدنه فی الطب، اووریحان بیرونی، ترجمه باقر مظفرزاده، تهران ۱۳۸۳، ص ۹۵۱.

۳. افتادگی در نسخه خطی.

۴. صمغ درختچه‌ای گرمسیری به نام مُر یا مرمکی از تیره سماقیان.

۵. سریاره کوره مس.

نیک خرد کن و با عصارة بومادران بیامیز و از آن شیافی بساز و زن را بفرمای تا آن را به کار برد، و نیز اگر خواهی که شیافی بسازی که روان سازد و رحم را پاک کند، بومادران و بخور مریم و زیره را برگیر و آنها را نیک بکوب؛ آن‌گاه با شراب بیامیز و از آن شیافی بساز و زن را بفرمای تا آن را به کار برد. یا اینکه جزوی از دارویی که بدان بومادران گویند و نیز به میزان یک سوم آن مرّ برگیر و آن دو را نیک بکوب و با شراب قابض مخلوط کن و با آن شیافی بساز و زن را بفرمای تا آن را به کار برد. اگر صغرا در رحم زیاد شود و خواهی که آن را بیرون ریزی جزوی روغن حنظل و بخور مریم برگیر و آن دو را با هم بکوب و با شراب مخلوط کن و از آن شیافی بساز، و اگر خواهی شیاف دیگری جز آن بسازی جزوی انجیر کوهی، و جزوی برگ آن برگیر و نیک آن دو را بکوب و با شراب مخلوطشان کن و از آن شیافی بساز. جزوی بخور مریم، و جزوی ریم مس، و جزوی شَبْ مصری برگیر و آنها را نیک بکوب و با شراب مخلوط کن و از آن شیافی بساز و زن را بفرمای تا آن را به کار برد. یا بخور مریم را برگیر و نیک آن را بکوب و با شراب سفید خوشبو مخلوط کن و با پشم یا پارچه کتان کهنه و پاکیزه‌ای از آن شیافی بساز. یا جزوی بخور مریم، جزوی صمغ صنوبر، جزوی پیه بز و جزوی دوغ و جزوی شوره برگیر و نیک بکوب و از آن شیافی بساز و زن را بفرمای تا آن را به کار برد.

[۳۳]

اگر زن را درد رحم عارض شود یا قی کند و تشنه شود و عقلش مختل گردد بدان که رحم از جای خود حرکت کرده است. پس اگر به سمت بالا رفته باشد زن را استفراغ و تب و اختلال در عقل و تشنگی یا تبی موسوم به ایفالیس عارض شود، و خواهی که او را درمان کنی باید که شکمش را روغن بمالی و بخور دهی، و آن باید بدین صورت باشد که زن بر روی صندلی بلند سوراخ‌داری بنشیند، و زیر آن صندلی کوزه‌ای گذاری و با زیره و کندر او را بخور دهی. جزوی زیره و جزوی کندر برگیر و از آن شیافی بساز، و زن را با آب گرم بشوی.

[۳۴]

اگر خواهی که شیافی بسازی از شَبْ مصری بگیر و آن را نیک بکوب و با اندکی شراب شیافی بساز، و دارویی به نام ارطمیسیا (دِرْمَنَه) برگیر و آن را نیک بکوب و با اندکی شراب سفید بیامیز، و از آن شیافی بساز و زن را بفرمای تا آن را به کار برد.

[۳۵]

چون زن زایمان کند و رحمش سست شود، از روغن گل و مرّ و موم شیافی بساز. پس اگر رحمش بسیار سست باشد او را غذاهای سفت‌کننده و شراب گس ده.

[۳۶]

برای او شیافی از انجیر سیاه و شوره و سیر و زیره، از هر یک جزوی، درست کن و آن را نیک له کن و با شراب سفید بیامیز و از آن شیافی بساز. یا پوست حنظل را برگیر و آن را نیک له کن و آن را با شراب بیامیز و از آن با پشم و موی خرگوش شیافی بساز و زن را بفرمای تا آن را به کار برد.

[۳۷]

اگر زن را پس از زایمان درد رحم عارض شود، او را بفرمای تا جو سفید پاکیزه و تره و پیه بزر را بگیرد و آنها را نیک بپزد تا جو کاملاً له شود؛ آن گاه از آب آن بسیار نوشد.

[۳۸]

برای آن زن شیافی بساز این گونه که شوره، زیره، انجیر سیاه را از هر یک جزوی بگیر و آنها را نیک بکوب و با شراب بیامیز و از آن شیافی بساز و او را بفرمای تا آن را به کار برد.

[۳۹]

اگر خون قاعدگی زن زیاد باشد، دانه دارویی به نام غلوقوسیدس را به او بنوشان. این دارو خون را بند می آورد و از خونریزی جلوگیری می کند.

[۴۰]

اگر رحم سست شود و [خون] پیاپی از فرج خارج شود، او را بفرمای تا به پشت بخوابد، آن گاه آب ولرم بر رحم او بریز؛ سپس جزوی برگ انار، جزوی مازو، جزوی سماق برگیر آنها را روی آن بپاش. آن گاه او را شرابی بنوشان که در آن برگ درخت غار خیسانده شده باشد.

[۴۱]

اگر زن بزاید و دچار اسهال شدید شود به او گل اخرا بنوشان. یا گل اخرا و لاک لاک پشت را به یک اندازه بگیر و آن دو را نیک بکوب و با شراب بیامیز و از آن شیافی بساز و زن را بفرمای تا آن را به کار برد.

[۴۲]

اگر زن بزاید ولی به طور معمول پس از آن خون نبیند، از دارویی به نام لبنی به اندازه یک ابولو بگیر و آن زن را به اندازه یک قاشق شراب سفید بنوشان؛ این کار خون او را فوراً روان می سازد، و بدنش را کاملاً پاک می کند، اگر خدای بزرگ خواهد.

تمام شد کتاب به حمد و یاری و توفیق خدای

